



برابری طلبی؛ هم آرمان
و هم راهبرد

میزگردی با حضور
علیرضا علوی تبار و محمد ستاری فر

صدآ

قبل از انتخابات ایران مذاکره کنید

مقاله مشترک **ولی نصر** و **علی واعظ** در نیویورک تایمز
درباره بحران روابط تهران - واشنگتن

به همراه گفت‌وگوهایی با:
عباس ملکی و شیرین هانتر

سرمقاله صدآ درباره مرگ کولبر نوجوان کرد

چه فرهادها مرده در کوه‌ها...

یادداشتی از عبدالله رمضان‌زاده:
برای مرز نشین‌ها تبعیض مثبت بگذارید

اصلا کیست سیاهی در کار نیست

ادعای **احمد توکلی** درباره لوایح FATF

بعد از رد صلاحیت چه می‌کنید؟

واکنش اصلاح‌طلبان به عملکرد هیات‌های اجرایی

با گفتارهایی از:

اکبر اعلمی، آذر منصور، غلامعلی دهقان

جواد امام، احمد حکیمی پور، جهانبخش خانجانی و محمود میرلوحی

سیدری



عکس: امیر جدیدی / صدا

عباس ملکی، دیپلمات پیشین ایران در گفت و گو با صدا:

ایران و آمریکا به این نتیجه می‌رسند که رابطه داشته باشند

است. گامی که به گفته تحلیل‌گران و مقامات اروپایی ممکن است به خروج کامل ایران از برجام بیانجامد. درباره چشم‌انداز جنگ و صلح در سال آینده میلادی با عباس ملکی گفت و گو کردم. دکتر عباس ملکی، مدیر کل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، معاون امور آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه ایران و عضو هیئت مذاکره‌کننده ایران برای پایان جنگ بوده است. او هم‌اکنون استاد دانشگاه صنعتی شریف است.

سارا ریاضی: ایران و آمریکا در حالی به سمت انتخابات‌های سال آینده میلادی پیش می‌روند که چشم‌انداز برقراری روابط میان‌شان تیره‌تر شده است. هم‌زمان که جریان‌های حامی دولت روحانی برای پیروزی در انتخابات‌های آتی مجلس و ریاست‌جمهوری نیازمند یک تحول قابل توجه در روابط دو کشورند، انتخابات سال آینده میلادی در آمریکا استمرار وضع موجود و ادامه تحریم‌ها را نوبه می‌دهد. در این میان زمان برداشتن گام پنجم کاهش تمهیدات برجامی ایران نیز نزدیک

شيفت رادیکال در سیاست‌های آمریکا تدوین کرده است. البته کار دیپلماسی همین است. ما باید ده‌ها ابتکار را با کشورهای مختلف داشته باشیم؛ مانند کاری که آمریکا می‌کند و از جوانب مختلف به ما فشار می‌آورد ما هم باید در دیپلماسی همین‌گونه عمل کنیم و از جوانب مختلف ورود کنیم. در مورد انرژی به نظر من می‌رسد که مقداری که ایران الان صادر می‌کند کمتر از یک میلیون بشکه در روز و بیشتر از ۵۰۰ هزار بشکه است؛ اما این میزان

نرسیده است. تا جایی که سابقه کار من در وزارت خارجه می‌گوید ما نه در مورد فرانسه به‌جایی رسیدیم، نه ژاپن. اساس تصمیم‌گیری در مورد ایران در اختیار تدرورها در واشنگتن است و آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که فشارها علیه ایران مؤثر بوده و آشوب‌های دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ را شاهدهی بر این مدعا می‌گیرند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که تحریم‌ها جواب داده است؛ بنابراین نباید فکر کنیم کار ایران آن‌قدر راه افتاده که بودجه را بر اساس پیش‌بینی یک

■ بودجه سال آینده با پیش‌بینی فروش یک میلیون بشکه نفت در روز بسته شده است. آیا بودجه با این فرضیه بسته شده آمریکا تحریم‌های نفتی ایران را بار دیگر تا سقف یک میلیون بشکه نفت به حالت تعلیق درمی‌آورد؟
با سه کلاه باید این مبحث را بررسی کرد. با کلاه دیپلماسی، کلاه انرژی و کلاه بودجه‌ریزی. در مورد دیپلماسی به عقیده من فعالیت‌های دیپلماتیک ما برخلاف نظر رسانه‌ها و برخی مسئولان ایرانی، به نتیجه مثبتی تا امروز

سیگنال‌هایی است که از یمن می‌آید. یمنی‌ها و کسانی که صنعا را در دست دارند آماده مذاکره شده‌اند و برخی منابع از مذاکره مستقیم حوثی‌ها با عربستان سعودی خبر می‌دهند و غیر از این رهبران حوثی به عمان، کویت و تهران هم سفر کردند. علائم نشان می‌دهد مثل هر جنگ دیگری که به جایی می‌رسد که دو طرف خسته می‌شوند عربستان به ادعایی که گفته بود یک‌ماهه کار را تمام می‌کند نرسیده و جنگ رو به پایان است؛ به‌خصوص که امارات و عربستان در عدن هنوز با هم رقیب‌اند. در عراق هم کسی تردیدی ندارد که با این فشاری که مشکل بیکاری و اقتصاد به جامعه وارد کرده و به‌صورت تظاهرات و شورش خیابانی سرریز می‌کند، اگر قرار باشد دولت کاری کند در بخش اقتصاد است و جایی برای اختلافات بیشتر نمی‌ماند. مسئله بعدی در عراق تهدید داعش است. همه اینها باعث می‌شود در عراق توجه معطوف به بهتر شدن وضع اقتصادی و کمتر کردن اختلاف با اربیل و داشتن نخست‌وزیری باشد که کار را بهتر بگرداند. در لبنان هم نخست‌وزیر پیشنهاد شده و همه فهمیدند درحالی که اینها با هم دعوا می‌کنند کف خیابان مردم چیز دیگری می‌خواهند و این مطالبات مردم است که به نتیجه می‌رسد. در سوریه هم نشانه‌های خوبی دیده می‌شود. داعش تحت فشار است و اغلب مناطق سوریه آرام شده و برخی اشتباهات گذشته در حال رفع شدن است. مثلاً اموال رامی مخلوف (تاجر ثروتمند و پسر دای بشار اسد و مالک اصلی شرکت سیریاتل، بزرگ‌ترین شرکت تلفن همراه سوریه) مصادره شده و دولت می‌خواهد مسائلی را که مورد اشکال مردم سوریه بوده، رفع کند. شاید اینها در نگاه اول به ایران ربطی نداشته باشد، اما جرقه‌هایی که بین ایران و آمریکا ممکن است در منطقه زده شود به سمت خاموش شدن و کمتر شدن می‌رود.

■ در مجموع تحولات مثبت و منفی‌ای در ماه‌های اخیر رخ داده است. اتفاقات منفی شامل انتخابات آمریکا و عدم تغییر جدی در سیاست‌های موجود در آستانه انتخابات، استیضاح ترامپ، تأثیر اعتراضات ایران و مطالبات صنادیرانی مردم عراق و لبنان بر مصمم شدن دولت ترامپ برای ادامه تحریم‌ها است و اتفاقات مثبت شامل تبادل زندانی میان دو کشور، مذاکره تخت‌روانچی با نماینده آمریکا در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل و سفر روحانی به ژاپن است. وزنه جنگ در این تحولات سنگین‌تر است یا صلح؟

به نظر من مذاکرات ژاپن، فعالیت‌های رئیس‌جمهور فرانسه، تبادل زندانی و صحبت‌های روانچی در حاشیه یک جلسه هیچ‌کدام به سمت روان شدن یا برداشته شدن موانع مذاکره بین ایران و آمریکا نیست. کار دیپلماسی این است که باید روابط را با بقیه کشورها تسهیل کند. کار دیپلمات حداکثرسازی منافع کشور است. من به‌عنوان یک دیپلمات باید بگویم هیچ‌کدام از این تحولات به من این را نمی‌گوید که کانال ارتباطی با آمریکا فعال است. حتی میانجی‌گری عمان هم من را به این نتیجه نمی‌رساند. ولی در تئوری داروین هم می‌گوید که در جریان تکامل پدیده‌های طبیعی لازم نیست همه چیز به‌تدریج رخ دهد؛ بعضی اوقات در یک نسل یک تحول عجیب بدون هیچ سابقه‌ای رخ داده است. به نظر من روزی که دور هم نیست، ایران و آمریکا به این نتیجه خواهند رسید که برای هر دو کشور بهتر است که رابطه داشته باشند و همدیگر را درک کنند. اگر تاریخ روابط ایران و آمریکا را از سال

به نظر من مذاکرات ژاپن،

فعالیت‌های رئیس‌جمهور فرانسه،

تبادل زندانی و صحبت‌های روانچی

در حاشیه یک جلسه هیچ‌کدام به

سمت روان شدن یا برداشته شدن موانع مذاکره بین

ایران و آمریکا نیست. کار دیپلماسی این است که باید

روابط را با بقیه کشورها تسهیل کند. کار دیپلمات

حداکثرسازی منافع کشور است. من به‌عنوان یک

دیپلمات باید بگویم هیچ‌کدام از این تحولات به من

این را نمی‌گوید که کانال ارتباطی با آمریکا فعال است

می‌تواند تکرار شود و بیمه‌های ایرانی توان پرداخت خسارت را ندارند. آیا این تهدید بود؟ آیا تنش‌ها در منطقه بین ایران و آمریکا به‌صورت نیابتی قرار است ادامه داشته باشد؟ مطالبی که برایان هوک می‌گوید در چارچوب جنگ روانی رسانه‌ای است. هوک نه در انرژی تخصصی دارد و به نظر من حتی در بخش دیپلماتیک هم تخصصی ندارد. آمریکایی‌ها آدم‌های حرفه‌ای دارند، ولی این فردی که اینجا گذاشته‌اند حرفه‌ای نیست. آمریکا تنها برای یک کشور نماینده اختصاصی گذاشته است. برای کره شمالی و اروپا نماینده ویژه دارد، ولی آنها کسانی‌اند که در همان اداره مشغول بوده‌اند، ولی هوک قبل از اینکه وارد بخش ایران شود حتی در وزارت خارجه هم نبوده و کسی نمی‌داند چقدر ایران را می‌شناسد. آمریکایی‌ها ایران را تهدید می‌کنند. به کشورهای مختلف می‌روند و با شرکت‌های مختلف تماس می‌گیرند. برخی شرکت‌ها به ما گفته‌اند که آمریکایی‌ها با آنها تماس گرفته و گفته‌اند حتی حق تبادل ۵۰۰ تا تک دلاری با ایران را ندارند. آنچه امروز در سیاست آمریکا در قبال ایران در جریان است این است که دارند روزنه‌های دیوار تحریم‌هایی که از اول انقلاب به‌طور تدریجی بالا آمده را پر می‌کنند. برای این کار یک سیستم بزرگی در آمریکا فعال است. در وزارت خزانه‌داری بر اساس گزارش‌هایی که منتشر شده ۷۰۰ نفر در امور ایران کار می‌کنند. ۷۰۰ نفر در بازار رقابتی واشنگتن به معنای هزینه‌های خیلی خیلی بالاست. یک تعدادی هم هستند که بیرون وزارت خزانه دارند علیه ایران کار می‌کنند. مثلاً سازمانی نظیر «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» همه کشتی‌ها و کامیون‌ها و هواپیماها را رصد می‌کند. اینها مدعی بودند که یک NGO هستیم؛ تا وقتی که یک تاجر یونانی از آنها شکایت کرد، قاضی از آنها خواست مدارک را بدهند. در اینجا وزارت خارجه آمریکا گفت مدارک محرمانه است و این کار از سوی ما انجام شده است؛ یا بنیاد دفاع از دموکراسی. اینها به‌صورت زنجیره‌ای علیه ایران کار می‌کنند و مسئولان ایران باید خیلی مراقب باشند. اما در مورد اینکه در آینده چه خواهد شد به نظر من در خاورمیانه تنش‌ها کمتر خواهد شد. چیزهایی که ما به‌عنوان سیگنال به‌عنوان یک دیپلمات می‌بینیم اول از همه انتخابات آمریکاست. آمریکا در آستانه انتخابات تا امروز وارد جنگی نشده مگر اینکه اینجا هم ترامپ جنبالی عمل کند. نکته بعدی، انتخابات مجلس است. ایران هم درگیر انتخابات است و ما نیاز به آرامش داریم. سوم



در آمارهای مؤسسات مشاوره‌ای و همچنین آن‌هایی که رد کشتی‌ها را ضبط می‌کنند دیده نمی‌شود. برآوردی که آن‌ها دارند کمتر است و بقیه آن را ایران می‌فروشد و ایران حق دارد طوری بفروشد که دیگران متوجه نشوند. ایران بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون بشکه در حال صادرات است. از لحاظ بودجه‌ریزی این کار درستی بوده که یک میلیون بشکه در روز را به‌عنوان صادرات روزانه در نظر گرفته‌اند؛ چون اگر میعانات گازی و شکل‌های دیگری که می‌تواند به‌عنوان نفت خام حساب شود را جمع بزین ما به‌اندازه روزی یک میلیون بشکه در آمد داریم؛ اما اگر بپرسید آیا این به نام ایران صادر می‌شود یا نه باید بگویم وقتی شما دشمنی دارید که هر گونه صادرات شما را مختل کرده بهتر است از راهی وارد شوید که دیگران متوجه نشوند.

■ آیا این صحت دارد که ایران نفتش را با تخفیف می‌فروشد؟

این تخفیف را باید تعریف کرد. برای اینکه متوجه شوید چقدر ایران می‌تواند تخفیف بدهد و دستش باز است باید بگویم تولید نفت در کشورهای نفت‌خیز خیلی کم‌هزینه است. فرق نفت با دیگر انرژی‌ها هم همین است. اگر ما انرژی بادی یا خورشیدی تولید می‌کردیم بین جمع هزینه‌ها و جمع فروش یک ارتباط نزدیکی وجود داشت. در بازار رقابتی اگر هزینه نهایی یا مارجینال کاست برابر با قیمت باشد می‌گویند این بازار درازمدت است؛ اما در مورد نفت حتی این گونه هم نیست. تولید نفت عراق ۳ تا ۴ دلار برای هر بشکه هم‌هزینه دارد. قیمت نفت در هر بشکه ۶۴ دلار است؛ یعنی عراق ۶۰ دلار در هر بشکه سود می‌برد. در ایران به دلیل پیچیدگی و بروکراسی هزینه هر بشکه نفت ۱۰ دلار است و قیمت نفت ایران را اگر ۶۰ دلار در نظر بگیریم در هر بشکه سود ما ۵۰ دلار خواهد بود؛ بنابراین اگر شما سیاست‌مدار باشید و نفت را به‌صورت سیاسی ببینید، بین ۱۰ تا ۵۰ دلار دست‌تان باز است که تخفیف پدید می‌آید و اگر این کار را بکنید اشتباه نکرده‌اید؛ چون اولاً دارید کشور را حفظ می‌کنید؛ ثانیاً تحریم‌هایی را که به نظر تان عادلانه نیست دور می‌زنید. تا جایی که من اطلاع دارم تخفیف‌ها خیلی خیلی کمتر از اینهاست و باید به مسئولان نفت اجازه بدهند که نفت را به هر قیمتی که می‌توانند بفروشند. در دوره‌ای که برجام جاری شد ما قرار بود با شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی کار کنیم؛ تازه یادمان افتاد باید قرارداد جدید بنویسیم و این قرارداد سه سال طول کشید و بعد از سه سال دیگر آن امکانات را نداشتیم. مثل وزیر صنعت و معدن که اجازه دارد در قراردادهای معدنی که با سایر کشورها می‌بندند، تصمیم بگیرد، باید به وزیر نفت هم اجازه دهیم این کار را بکنند؛ اگر جایی اشکالی دیدیم اقدام کنیم. این‌طور که قبل از اجرا دست بخش‌های اجرایی را ببندیم به نفع رقبای ماست. تردیدی نیست که رئیس‌جمهور روسیه بر شرکت‌های بزرگ روسی تأثیر دارد، ولی این نفوذش جوری است که ما که در بازار انرژی هستیم متوجه نمی‌شویم. درحالی که در مورد ایران همه می‌دانند وزیر نفت ایران دستش باز نیست؛ بنابراین در مذاکرات با دست‌بسته باید عمل کند. البته قطعاً یکی از دلایل آن حافظه تاریخی در مواردی نظیر بایک زنجانی است.

■ برایان هوک اخیراً به کشورهایهایی که با تخفیف نفت ایران را می‌خرند گفته بود اعتماد نکنند، چرا که اتفاقی نظیر سانچی

باید تحمل و صبر و دنده پهنی داشته باشیم؛ به خصوص از این به بعد. باید این را بپذیریم و از این گذشته عبور کنیم. در جنگ ایران و عراق هم همین طور بود. همان زمان هم انواع امکانات در سراسر جهان بود و ما می‌دیدیم، ولی مردم ایران صبر می‌کردند.

■ آیا نظام نباید اول خودش را در این جایگاه پاسخ به این سؤال قرار بدهد که آیا این مردم انتخاب کرده‌اند که این گونه زندگی کنند؟

بله مشکل ما اعتماد است. قبول دارم. ■ به نظر می‌رسد ایران انواع کارت‌ها را بازی کرده. کارت کاهش تعهدات برجامی بوده و کارت توسعه نفوذ در منطقه. نتیجه همه اینها باید کاهش تحریم‌ها باشد. این بازی تا کجا می‌تواند ادامه بیابد؟

به عقیده من اگر یک کاهش برجامی دیگر داشته باشیم این موقعی است که یا باید از برجرام یا بنا به ادعای اروپایی‌ها حتی از NPT خارج شویم. به نظر من خارج شدن از اینها به نفع ایران نیست. تا جایی که من می‌فهمم، ما از بیرون آمدن از قراردادهای در طول تاریخ بهره‌ای نبرده‌ایم، ولی از تمسک به قراردادهای بهره‌ها بردیم. جنگ ایران و عراق یکی از مسائلی است که صدام می‌خواست پیمان حسن هم‌جواری ۱۹۷۵ را لغو کند و ایران به نظر عمق‌عقلایی و منطقی منافعی را در این دید که چسبندگی به این پیمان داشته باشد. هرچند همان موقع هم برخی‌ها می‌گفتند این پیمان را شاه امضا کرده است. این ربطی به قرارداد ندارد. قرارداد به نفع کشور بود و ما ایستادیم. برجرام هم همین طور است. برجرام تلاشی به نفع کشور بود که بیرون رفتن از آن اشتباه است. اما حدس می‌زنم که مثل هر کار دیگری که یک کشش و الاستیسیته‌ای دارد، کاهش برجامی هم یک الاستیسیته‌ای دارد و بیشتر از این کشش ندارد. پیشنهاد من این است که در این زمینه بیشتر از این ادامه ندهند و در یک‌جایی محدود کنیم ببینیم چه نتیجه‌ای داده است. در عین حال نمی‌شود کتمان کرد که اگر آب و مکررون با ایران مذاکره می‌کنند برای این است که به آن‌ها فشار آمده است و فقط با لبخند دیپلماتیک نمی‌شود کار را پیش برد. باید خیلی مراقب باشیم که پرونده ایران به شورای امنیت نرود، چون اگر مطابق قاعده‌ای که در برجرام نوشته شده، طرف‌های ایران احساس کنند ایران از برخی تعهدات اصلی شانه خالی کرده، ممکن است به این سوسه آمریکا تن بدهند که موضوع را به شورای امنیت ببرند و ما باید مراقب باشیم. فکر می‌کنم ظریف خودش مراقب است.

■ اگر ایران کاهش تعهدات را متوقف کند، چماقش در این تعاملات چه خواهد بود؟

در بحث هسته‌ای نمی‌دانم چه چماقی باقی می‌ماند، اما در بحث‌های اقتصادی می‌دانم که همین فروش نفت به هر قیمتی، همکاری‌های مشترک با دیگر کشورها، دنبال کردن قرارداد با روسیه برای تحویل ۱۰۰ هزار بشکه نفت در روز و کارهای معدنی با دیگران می‌تواند کارساز باشد. همسایگان ایران خیلی مهم‌اند. من حس می‌کنم بخش‌هایی از دولت که مسئول این تعاملات هستند خسته شده‌اند و باید یک تلنگر اساسی به دولت زده شود که اگر تاکنون با همسایگان ۲۰ درصد کار می‌کردیم، هر طور شده باید این درصد را بالا ببریم. باید از حلقه‌های ضعیف اتحادیه اروپا استفاده کنیم.

هوک قبل از اینکه وارد بخش ایران

شود حتی در وزارت خارجه هم

نبوده و کسی نمی‌داند چقدر ایران

را می‌شناسد. آمریکایی‌ها ایران

را تهدید می‌کنند. به کشورهای مختلف می‌روند و با

شرکت‌های مختلف تماس می‌گیرند. برخی شرکت‌ها به

ما گفته‌اند که آمریکایی‌ها با آن‌ها تماس گرفته و گفته‌اند

حتی حق تبادل ۵۰۰ تا تک دلاری با ایران را ندارید.



این شیعیان در واکنش به کار دولت کویت هوابیما را ربوده‌اند. در این هوابیما تعدادی آمریکایی هم بود. چندین ساعت بحث شد که این را باید چه کار کنند. امام گفت به اینها سوخت بدهید بروند هر کاری می‌خواهند بکنند، ولی اینجا ننمانند. این تصمیم در آن زمان خیلی عاقلانه بود. در هیئت دولت خیلی بحث شد که آیا باید اینها را بپذیریم، کمک کنیم یا نکنیم؟ هوابیماها گفته بودند اگر به خواسته‌های ما در کویت عمل نشود ما هر ساعت یکی از این آمریکایی‌ها را می‌کشیم و در فرودگاه مهرآباد می‌اندازیم پایین. در این باره بحث و بررسی بین نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور و افراد دیگر شد. امام گفت فقط به اینها سوخت بدهید از اینجا بروند و هر کاری می‌خواهند را هر جای دیگر دنیا که می‌توانند بکنند؛ اینجا این کارها را نکنند. امام که معلوم است ضد آمریکا بوده، ولی هیچ‌وقت قبول نکرد یک آمریکایی در ایران کشته شود. کل آمریکایی‌هایی که در ایران کشته شده‌اند هفت نفرند و اینها توسط کسانی (مجاهدین خلق) کشته شده‌اند که امروز در آمریکا دفتر دارند. راهی که نظام ایران امروز می‌رود درست است و باید در برابر تحریم‌ها مقاومت کرد و نباید سیگنالی داد که آن‌ها فکر کنند ما ضعیف شده‌ایم. از مجموعه تحولات آبان ۹۸ آمریکایی‌ها این حس را کردند که ایران تضعیف شده و تحریم‌ها جواب داده است. این را باید دولت درست بکند.

دولت باید چه کند؟

این نیاز به یک دولت کارآمد دارد که بهره‌وری داشته باشد و سریع بتواند عمل کند. اگر سیلی جایی آمد سریع بتواند عکس‌العمل نشان دهد. ببینید در تاریخ که نگاه کنید از این گونه دوران در ایران خیلی بوده است. ما در یک دوره‌ای با یونانی‌ها، با عرب‌ها، مغول‌ها، روس‌ها و عثمانی‌ها جنگیدیم. اصلاً این تصور که چون قیمت یک ماده سوختی ولو نادرست بالا رفته و همه چیز به هم ریخته، درست نیست. ایران از این روزها زیاد داشته و سربلند بیرون آمده. دولت اشتباهات فاحش داشته. در یک‌جایی سال‌ها هیچ کاری نکرده و یک‌دفعه یادش افتاده کاری بکند. ولی نقش مردم چه می‌شود؟ مردم باید چه کار کنند؟ در جنگ ایران و عراق مردم خیلی کمک می‌کردند. حتی کسانی که مخالف ادامه جنگ بودند هم کمک می‌کردند. وقتی مذاکرات ۵۹۸ شروع شد کسانی که مخالف ادامه جنگ بودند هم کمک کردند. ما در وزارت خارجه اعلام عمومی کردیم که هر کس هر پیشنهادی دارد به ما بدهد. باور نمی‌کنید چقدر ما پیشنهاد داشتیم. اگر مردم ایران همان باشند پس

۱۸۵۰ تا الان مطالعه کنیم می‌بینیم آن موقع هم همین اتفاق رخ داد؛ یعنی این طور نبود که دو کشور به‌طور تدریجی همدیگر را بشناسند بلکه به‌محض اینکه همدیگر را پیدا کردند بلافاصله همکاری‌ها شروع شد و اگر آمریکا طمع نمی‌کرد و به پیشنهاد اغواگرانه انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد دخالت نمی‌کرد، وضعیت به این شکل هم در نمی‌آمد. چون تا قبل از آن روابط ایران و آمریکا در یک ریل درستی قرار داشت. حتی بعد از آن در سال‌های ۵۹-۱۳۵۸ هم می‌بینید که روابط ایران و آمریکا در مسیری افتاده که دو کشور می‌دانند چه می‌کنند. ولی سیستم آمریکا طوری است که برخی افراد از دولت نقش مهم‌تری دارند. برای مثال راک‌فلر و کسینجر نقش مهمی در این رابطه بازی کردند. انقلاب ایران عکس‌العملی به نفوذ همه‌جانبه آمریکا بود. از آن به بعد هم ما می‌توانستیم با هم کار کنیم، ولی اتفاقاتی نظیر جریان اشغال سفارت باعث شد هیچ‌وقت این مسیر به‌درستی باز نشود. اواخر دوره آقای اوباما یک درک مشترکی ایجاد شده بود، ولی ترامپ این در را هم بست. در نهایت باید بگویم من بعید نمی‌دانم که یک تحول ناگهانی در روابط دو کشور رخ دهد؛ اما از این نشانه‌هایی که اتفاق افتاده این برداشت را ندارم زمینه این تحول فراهم شده باشد.

شما سابقه طولانی در دستگاه دیپلماسی کشور داشتید.

جایگاه این منطق که ما یک روزی در نهایت با آمریکا مذاکره کنیم در نظام جمهوری اسلامی کجاست؟ آیا اساساً چنین منطقی را می‌پذیرد؟

نباید فکر کنیم جمهوری اسلامی منطقی نیست. از لحاظ ریاضی محال است شما در جایی که همه همسایه‌ها آتش گرفته‌اند و احتمال اینکه منزل شما هم بسوزد بالای ۵۰ درصد است، ۴۰ سال بتوانید منزلتان را سالم نگه دارید. این بدون تردید نشان از عقلایی بودن تصمیم‌گیری‌ها در نظام است. این بدان معنا نیست که انتقادی وارد نیست. انتقاد وارد است، اما تصمیم‌گیری‌ها در ایران نسبتاً عقلایی است. در سال ۱۹۹۰ وقتی که عراق به کویت حمله کرد، درست روز عاشورا بود. روز عاشورا تصمیم‌گیری در کشور ما خیلی سخت است، اما مرحوم هاشمی گفت همین نزدیکی‌ها جلسه بگذارید. دفتر من در موسسه مطالعات سیاسی و بین‌المللی در منطقه شمیران بود. همه در دفتر من جمع شدند و تصمیم گرفتند و نامه‌ای تدوین شد و خدمت رهبری رسید و همان نامه اجرایی شد. من عضو شورای امنیت ملی نیستم، ولی آن روز دیدم که چقدر بحث شد. بعضی‌ها می‌گفتند باید پشت صدام بایستیم و این همان صلاح‌الدین ایوبی است. بعضی‌ها می‌گفتند بهترین کار این است که ما پشت سر کویت علیه صدام بایستیم؛ برخی‌ها حتی می‌گفتند ما دوباره به عراق حمله کنیم و مناطقی را بگیریم و بگویم تا غرامت ندهید پس نمی‌دهیم. ولی آنچه تصویب شد این بود که بی‌طرف بمانیم. آن موقع کویت خیلی به ایران ظلم کرده بود و آن‌طرف هم صدام حسین بود که متجاوز بود. ولی ایران اعلام بی‌طرفی کرد و بعداً معلوم شد چقدر این تصمیم عقلایی بوده است. در این ۴۰ سال به نظر من اکثراً تصمیمات عقلایی بوده است. یک هوابیما کویتی که گفته می‌شود توسط شیعیان کویت ربوده شده را آوردند فرودگاه مهرآباد تهران. شیعیانی که هوابیما را ربوده بودند مدعی بودند حامی امام خمینی‌اند. چون در کویت رهبران شیعیان را گرفته بودند گفته می‌شد